

## شبه ترجمه‌های ذبیح الله منصوری<sup>۱</sup>

اسماعیل حدادیان مقدم

گروه مطالعات بین فرهنگی، دانشگاه رو ویرا ویرجیلی، اسپانیا

بحث دربارهٔ ذبیح الله منصوری (۱۳۲۱-۱۳۶۵) و آثاری که به نام ترجمه از او منتشر شده، هنوز هم بحثی جالب و خواندنی است. این بحث‌ها بیشتر معطوف به روش منصوری در ترجمه، مفهوم وفاداری در ترجمه، تأثیرات فرهنگی آثار او و مسائلی از این دست است. بیشتر این بحثها از دیدگاه مترجمان حرفه‌ای و یا منتقدان ادبی مطرح شده‌اند و کمتر کسی در ایران بوده که صرفاً از دیدگاه مطالعات ترجمه به بررسی "پدیده‌ای به نام ذبیح الله منصوری" پرداخته باشد.

منصوری را می‌توان نمونهٔ جالبی از "شبه مترجم" و بیشتر کارهای او را می‌توان "شبه ترجمه" نامید. بحث دربارهٔ این مفهوم در چارچوبی که در این مقاله خواهد آمد، بحثی جدید در ایران است و یکی از دلایل آن هم این است که اصولاً بحثهای نظری و آنچه دقیقاً به نام **مطالعات ترجمه** امروزه در جهان مطرح است سابقه زیادی در ایران ندارد. نگاهی به شماره‌های منتشر شده فصلنامه **مترجم** در طول هفده سال گذشته نشان می‌دهد که بحث‌های نظری ترجمه، بدون اشاره به لفظ **مطالعات ترجمه** در آن وجود داشته است. شکی نیست که اگر امروز در ایران می‌توانیم در چارچوب **مطالعات ترجمه** دربارهٔ ترجمه صحبت کنیم، مدیون **مترجم** هستیم. خوشبختانه با انتشار نشریه **مطالعات ترجمه** و راه‌اندازی دوره کارشناسی ارشد ترجمه در برخی دانشگاه‌ها، شاهد طرح بیشتر برخی مفاهیم و گفتمان‌های مطرح در این رشته در ایران هستیم. هرچند ما تا رسیدن به جایگاهی بهتر در **مطالعات ترجمه** راه درازی در پیش داریم. نباید از نظر دور داشت که تجربه ترجمه در ایران از بعد نظری گنجینه‌ای غنی است ولی فقدان تحقیق در این زمینه تعجب و حسرت برخی از محققان ترجمه را برانگیخته و این را من به گواهی ارتباط نزدیک با آنها می‌گویم. ذبیح الله منصوری نمونه‌ای از این گنجینه‌های بکر برای محققان ترجمه است.

۱. این مقاله با تغییراتی در کنگره بین‌المللی نویسندگان و مترجمان ادبی، استکهلم (۲۹ ژوئن-۲ ژوئیه ۲۰۰۸) ارائه شد.

۲. در مقاله‌ای جداگانه به این بحث و زمینه‌های موجود برای انجام تحقیق در ترجمه در ایران خواهیم پرداخت.

اما شبه ترجمه چیست؟ در بیشتر تعاریف موجود از شبه ترجمه، نوعی اشتراک نظر وجود دارد و آن هم تقلب در ارائه چیزی به نام چیزی دیگر است. از نظر توری (۱۹۹۵: ۴۰) شبه ترجمه به متونی گفته می‌شود که "به اسم ترجمه منتشر شده‌اند حال آنکه در زبانهای دیگر هیچ نوع بدیلی برای آنها موجود نیست" از نظر شاتل ورت و کویی (۱۳۴: ۱۹۹۷)، شبه ترجمه به نوعی تقلب ادبی گفته می‌شود که در آن نویسنده سعی می‌کند متنی اصیل را به نام ترجمه عرضه کند. بنا به باور دو پونت (۲۰۰۵: ۳۲۸) شبه ترجمه متنی است که به اسم ترجمه عرضه شده حال آنکه در اصل این متن ترجمه نیست و متنی اصیل است. از نظر رابینسون (در بیکر ۸۳: ۲۰۰۱)، شبه ترجمه "اثری است که جایگاه آن در مقام اثری اصیل و یا اقتباسی به دلایل اجتماعی یا متنی مورد تردید است."

در تعاریف بالا چهار مفهوم مشترک وجود دارد: نویسنده (و یا آنچه من به آن شبه مترجم و یا خالق نهایی متن می‌گویم)، ترجمه، عرضه اثر و متن. ارتباط میان این چهار مفهوم و تعامل آنها در جهان خارج از ترجمه نه تنها کار مطالعه شبه ترجمه را جذاب می‌کند که با کمال تعجب کار تعریف مفهوم شبه ترجمه را نیز دو چندان دشوار می‌نماید. همان طور که آندره‌ریزی (در پیم و دیگران، ۱۵۴: ۲۰۰۸) به درستی می‌گوید: "برای آنکه شبه ترجمه را بهتر درک کنیم باید سعی کنیم وجه تمایز ترجمه و شبه ترجمه را روشن کنیم." در تحقیقی که وی درباره آثار ماتئو ماریا بواردو (۱۴۴۱-۱۴۹۴) انجام داده به این نتیجه رسیده که میان ترجمه و شبه ترجمه لزوماً هیچ نوع رابطه مشترک و خاصی وجود ندارد، بلکه بر عکس چنان که تحقیقات وی نشان می‌دهد نوعی "همزیستی" احتمالی در نظریه و عمل میان این دو مفهوم وجود دارد. او برای حل این مشکل با توسل به دو مفهوم پیش‌متون<sup>۱</sup> (مقدمه‌ها، شرح و توصیف‌های پشت جلد کتاب، فهرست مطالب و غیره) و فرامتون<sup>۲</sup> (تمامی اسناد خارج از متن، مانند نامه‌ها، نقدها و اسناد مرتبط آرشیوی) تعریفی کلی از شبه ترجمه به دست می‌دهد:

"اگر هم پیش‌متون وهم فرامتون حاکی از ترجمه بودن متن باشد، پس باید آن متن را ترجمه دانست. اما اگر پیش‌متون حاکی از ترجمه بودن متنی است و فرامتون حاکی از شبه ترجمه بودن آن است، باید این طور نتیجه‌گیری کنیم که: الف. اگر پیش‌متون مدتها بعد از شبه ترجمه مفروض نوشته

1. pretext

2. epitext

شده باشد، هنوز هم می‌توان آن متن را در نظام فرهنگی تولید کننده‌اش ترجمه دانست، حتی اگر فرهنگ فراسوی پیش‌متون قائل به این چنین تمایزی نباشد. ب. اگر پیش‌متون تولید همان نظر فرهنگی تولید کننده متن تحت بررسی باشد، آن ترجمه را باید شبه ترجمه دانست (همانجا، ۱۵۷)."

در ادامه این مقاله سعی خواهیم کرد این تعریف را درباره آثار منصوری به کار بریم تا مشخص شود آیا این تعریف کلی می‌تواند در تشخیص شبه ترجمه از ترجمه مفید واقع شود یا خیر.

اعتبار شبه ترجمه در مقام موضوعی تحقیقی در مطالعات ترجمه از دیدگاه توری (۱۹۹۵: ۳۴) دو جنبه دارد: "مادامی که فرهنگ میزبان شبه ترجمه را ترجمه‌ای اصیل از متنی اصیل بداند همچون سایر ترجمه‌ها عمل می‌کند و ارزش تحقیق دارد." علاوه بر این شبه ترجمه می‌تواند نشان دهد "معیارهای حاکم بر ترجمه در یک فرهنگ و ژانر ادبی در زمانی خاص چه بوده است." دو پونت (۲۰۰۵: ۳۲۹) نیز همسو با توری و با استناد به نظریات او یکی از انگیزه‌های افراد برای توسل به شبه ترجمه را معرفی انواع ادبی جدید در فرهنگ میزبان و در نتیجه تخطی و یا گذر از معیارهای موجود در آن فرهنگ می‌داند. از دیدگاه مطالعات فرهنگی، نوشتن شبه ترجمه در واقع نوعی طرح‌ریزی فرهنگی است. این کار به نویسندگان مجال می‌دهد بی‌آنکه توجه چندانی به خود جلب کنند، سبک و مضمون نوشته‌های پیشین خود را عوض کنند (توری ۴۲-۴۱: ۱۹۹۵) و (۹: ۲۰۰۵). دو پونت (۲۰۰۵: ۳۳۰) نیز دلیل دیگر برای توسل نویسنده به شبه ترجمه را "ترس از سانسور" می‌داند. رابینسون (۲۰۰۵: ۳۳۰) نیز شبه ترجمه را نوعی فن آمیخته با کلک "نسخه پیدا شده" می‌داند که نویسندگان با توسل به آن سعی می‌کنند رنگی از واقعیت به اثر خود بزنند.

### شبه مترجمی به نام ذبیح الله منصوری

ذبیح الله منصوری به ادعای خودش بیش از هزار و دویست اثر را از انگلیسی و فرانسه به فارسی ترجمه کرده است. اما ظاهراً همان طور که آقای کریم امامی (۸۰: ۱۳۷۲) به نقل از ایرج افشار می‌گوید به گواهی منابع موجود این تعداد بیش از ۱۲۰ اثر نیست. شبه ترجمه‌های او عمدتاً آثار تاریخی و برخی رمانهای عامه‌پسند است. برخی از آثار او بیش از پنجاه بار تجدید چاپ شده‌اند. شبه ترجمه‌های او تعداد کتابخوانها را در ایرانی که مردمش چندان اهل کتاب نیستند دو چندان کرد و بازار کتاب را که عمدتاً تا پیش از انقلاب پر از آثار روشنفکرانه بود تغییر داد. مردم با خواندن شبه ترجمه‌های او، بنا به باور رضا براهنی (۹۸: ۱۳۶۸) به ناکجا آباد خاصی رهنمون می‌شدند که در اعماق آن عقده‌های سرکوب شده به وسیله انقلاب از سر گشاده می‌شدند. باید توجه داشت که در دورانی

که نظارت بر کار کتاب و ترجمه‌ها در وزارت ارشاد به شدت اعمال می‌شد، این شبه ترجمه‌ها مانند دارویی معجزه‌گر عمل می‌کردند.

تا جایی که من می‌دانم تاکنون تحقیقی درباره شبه ترجمه‌ها در ایران انجام نشده است. در نوشته‌های موجود درباره کارهای منصوری به تعبیری مانند ترجمه آزاد، ترجمه غیر قابل اعتماد، اقتباس، و بازنویسی بر می‌خوریم و نشانی از تعبیر شبه ترجمه دیده نمی‌شود. به اعتقاد خزاعی فر (۸۳-۸۲: ۱۳۷۴) آثار منصوری را از دو دیدگاه متفاوت می‌توان بررسی کرد: دیدگاه زبان‌شناختی و دیدگاه فرهنگی. در دیدگاه اول که در آن زبان و متن مبدأ ملاک قضاوت هستند منصوری "مترجمی امین نیست." از دیدگاه دوم، ترجمه‌های او نمونه‌هایی از رابطه متقابل میان فرهنگ و ترجمه است. به باور خزاعی فر، "ذبیح‌الله منصوری پدیده به معنی واقعی غیرعادی یا منحصر به فرد نیست، بلکه واقعی فرهنگی است، قابل درک و قابل تحلیل که عوامل معینی در ایجاد و رشد آن دخیل بوده‌اند." شهبها (درباره ترجمه، شماره ۳، ص ۸) نیز معتقد است که ترجمه‌های منصوری "برای مخاطب خودش خوب بوده. یعنی برای مخاطب پاورقی خوان مجلات هفتگی."

کریم امامی (۸۵: ۱۳۷۵) که یکی از طرفداران پرو پا قرص قداست متن اصلی در ترجمه است به ظرافت منصوری نویسنده را از منصوری مترجم جدا می‌کند و از ما می‌خواهد "منصوری مترجم را فراموش کنیم و در برابر منصوری نویسنده تعظیم کنیم." به اعتقاد او یکی از بهترین مهارت‌های منصوری مهارت قصه‌گویی اوست. امامی که از مقابله متن اصلی با ترجمه لذت می‌برد به حکایت پیدا کردن اصل ترجمه‌های منصوری اشاره می‌کند و برای مقابله یکی از ترجمه‌های او به سراغ کتاب استالین ایزاک دویچر می‌رود و با شوخ طبعی خاص خود نشان می‌دهد که چگونه اطلاعات منصوری از نویسنده اصلی هم بیشتر است تا جایی که "اسم قابله مادر استالین" را هم در ترجمه خود آورده. امامی که می‌خواهد بداند منصوری از کجا این اسم را می‌دانسته به ما یادآوری می‌کند که او در هنگام ترجمه کتاب "کجا نشسته بوده و به چه مراجعی دسترسی داشته. پشت میزی در بیلپوتک پاریس یا در بالاخانه خواندنیها، پیرامه راه راه و کفش دم پای به پای؟" مقایسه امامی نشان می‌دهد که ترجمه منصوری تا چه حد از متن اصلی دور است و منصوری چگونه قصه‌نویسی را با ترجمه درهم آمیخته.

## چند سؤال و چند فرضیه

قبل از طرح سئوالها توجه به چند نکته لازم است. منصوری سالها در ایران به نام مترجم ترجم کرد و خواننده‌ها او را بیشتر به عنوان مترجم می‌شناخته‌اند و هنوز هم می‌شناسند. وضعیت بسیار جالب منصوری او را از سایر شبه مترجمان مشهوری<sup>۱</sup> که می‌شناسیم متمایز می‌کند، چون بیشتر شبه مترجمان مترجم نبوده‌اند. نکته دیگر مربوط به نظر توری درباره منظور متصور برای کارکرد شبه ترجمه در فرهنگ میزبان است که پیشتر به آن اشاره شد. یکی از کارهای تحقیقی با توجه به این نکته می‌تواند تحقیق درباره نیات منصوری از ارائه شبه ترجمه به اسم ترجمه باشد. البته باید توجه داشت که انجام چنین تحقیقی با توجه به اینکه منصوری سالهاست که در گذشته بسیار دشوار است. توری همچنین توجه به فرایند فردی تصمیم‌گیری درباره ارائه شبه ترجمه به اسم ترجمه را مهم می‌داند (۴۳: ۱۹۹۵). با توجه به آنچه گفته شد سعی می‌کنم سئوالات زیر را مطرح کنم و سپس به آنها پاسخ دهم تا بدین ترتیب چارچوبی برای تحقیق بیشتر درباره شبه ترجمه‌های منصوری فراهم شود.

**سؤال اول:** چرا شبه ترجمه‌های منصوری در محافل دانشگاهی ایران به اسم ترجمه آزاد و یا اقتباس شناخته شده‌اند و کمتر کسی از آنها با عنوان شبه ترجمه یاد کرده است؟

**سؤال دوم:** با توجه به آنچه توری درباره اعتبار شبه ترجمه‌ها در فرهنگ میزبان می‌گوید، یعنی "مادامی که فرهنگ میزبان شبه ترجمه‌ای را ترجمه‌ای اصیل از متنی اصیل بداند آن شبه ترجمه همچون سایر ترجمه‌ها عمل می‌کند و ارزش تحقیق دارد" باید پرسید چه چیزی "فرهنگ میزبان" را شکل می‌دهد؟ در ایران، خواننده‌ها منصوری را مترجم می‌دانند چون این عنوان بر روی جلد شبه ترجمه‌های منتشر شده او نقش بسته است. اما وضع آن دسته از خواننده‌ها که خود مترجم‌اند و یا مدرسان ترجمه هستند و یا با مباحث نظری ترجمه آشنایی دارند به منصوری به چشم مترجمی غیر وفادار نگاه می‌کنند، چه می‌شود؟ چگونه می‌توان این تناقض را حل کرد و آن را توصیف کرد؟

**سؤال سوم:** اگر به معدودی از آثار منصوری که در آنها مشابهت‌هایی بین ترجمه و اصل اثر وجود دارد (اسامی، وقایع و پیرنگ) نگاه کنیم، (این ترجمه‌ها را ترجمه‌های مشکل‌زا لقب می‌دهیم) آیا می‌توان میان دو سوی پیوستار ترجمه و شبه ترجمه به نوع جدیدی از نگارش فکر کرد؟

۱. نگاه کنید به ترجمه فارسی مقاله شبه ترجمه، داگلاس رابینسون.

**سوال چهارم:** چگونه می‌توان تعریف کلی ریزی درباره شبه ترجمه را درباره آثار منصوری اعمال کرد؟ و در این صورت چه محدودیتهایی وجود خواهد داشت؟ آیا این تعریف بر همه شبه ترجمه‌ها قابل اطلاق است؟

اینک سعی می‌کنم به این سئوالات پاسخ بدهم.

**سوال اول:** مفهوم شبه ترجمه را توری اولین بار در ۱۹۹۵ مطرح کرد و در طول سالیان گذشته همان‌طور که اشاره شد کسی در ایران به این مفهوم اشاره نکرده و یا سعی نکرده نمونه‌هایی از آن را در ترجمه‌های موجود نشان دهد. جای تعجب است که در تمامی شماره‌های گذشته فصلنامه مترجم‌دگری از شبه ترجمه نشده است.<sup>۱</sup> البته احمد اخوت، ترجمه فارسی مقاله رایینسون با عنوان شبه ترجمه را در شماره ویژه ترجمه فصلنامه زنده رود منتشر کرده است و به تازگی به هنگامی که این مقاله در مرحله نهایی نگارش آن بود متوجه شدم که وی همین مقاله را همراه با چند مقاله دیگر در کتابی با عنوان مستعارنویسی و شبه ترجمه منتشر کرده که احتمالاً این تنها مأخذ موجود در ایران است. در این کتاب، اخوت ترجمه میرزا حبیب اصفهانی از سرگذشت حاجی بابای اصفهانی جیمز موریه را به خاطر آن مقدمه جنجال برانگیز موریه در ابتدای کتاب<sup>۲</sup> شبه ترجمه می‌داند، حال آنکه چنین فرضی با توجه به آنچه در این مقاله مطرح می‌کنم بسیار بعید است. اخوت ردپای شبه ترجمه‌ها را در ادبیات فارسی هم دنبال می‌کند و چند اثری را که شبه ترجمه هستند معرفی می‌کند. نکته جالبی که وی در این کتاب مطرح می‌کند نشان دادن چند راهکار برای موفقیت در نوشتن شبه ترجمه است. جا دارد این کتاب جداگانه نقد و بررسی شود.

ملائظر(۴-۱۵۱: ۲۰۰۱) در پایان نامه دکترای خود به منصوری اشاره کرده است. وی با اشاره به گفتگوی مترجم با محمود کیانوش (مترجم، شماره ۲۲ و ۲۱) کتاب از پنجره تاج محل وی را که با نام مستعار پرادپ اوما شانکار منتشر شده، نمونه‌ای از شبه ترجمه می‌داند. ملائظر، آثار منصوری را "نوعی خاص از شبه ترجمه" می‌داند و با استناد به توری (۴۲: ۱۹۹۵) انگیزه‌های منصوری از توسل به شبه ترجمه را بهره‌مندی از جایگاه ترجمه<sup>۳</sup> و "هراس از ممیزی" می‌داند.

۱. مدتی بعد از نگارش این مقاله متوجه شدم که دست کم در دو جا به این مفهوم اشاره شده که در ادامه این مقاله به آنها اشاره کرده‌ام.  
 ۲. برای اطلاع بیشتر رک. مقدمه مبسوط جعفر مدرس صادقی. سرگذشت حاجی بابای اصفهانی. نشر مرکز. و اخوت، ص ۲۷.

اما در ادامه مطلبی که در ابتدای پاسخ به سؤال اول گفتم، می‌دانیم که سابقه رشته مطالعات ترجمه در جهان به حدود نیم قرن می‌رسد، و ما تازه با مباحث نظری مطرح در رشته مطالعات ترجمه آشنا شده‌ایم و تعداد کتب منتشر شده در این زمینه به فارسی نیز اندک است. ما به جز ترجمه‌های فارسی نظریه‌های معاصر ترجمه گنتزلر، مترجم شدن رایبسون و اخیراً فرهنگ مطالعات ترجمه شاتل ورت و کوری و احتمالاً یکی دو اثر دیگر چیز دیگری درباره ترجمه نداریم و باید که بسیاری از آثار مفید این رشته به فارسی ترجمه شوند. به هر حال با طرح این مفهوم اینک می‌توان با انتخاب برخی از آثار منصوری در مقام شبه ترجمه به تحقیق درباره آن دسته از عوامل فرهنگی پرداخت که باعث شدند منصوری نویسنده به جلد شبه مترجم برود. این تحقیق می‌تواند نشان دهد کدام عوامل فرهنگی در زمان حیات او در کار بوده‌اند و "فرهنگ میزبان" تصورش از ترجمه چه بوده که شبه ترجمه‌های او را به جای ترجمه پذیرفته است. نتایج این تحقیق را می‌توان با وضعیت فعلی ترجمه در ایران مقایسه کرد تا از رهگذر آن پی برد آیا برداشت جامعه از ترجمه و شبه ترجمه تغییر کرده است یا خیر. در ضمن این کار می‌تواند بخشی از تحقیق درباره تاریخ معاصر ترجمه در ایران باشد که خود یکی از زمینه‌های غنی تحقیقی است.

**سؤال دوم:** می‌دانیم که فرهنگ میزبان یا همان جامعه کتابخوان ایران عموماً منصوری را به اسم مترجم می‌شناخته‌اند. حال آنکه حداقل به گواه مقابله امامی و سایر منابع می‌دانیم که چنین تصویری نادرست است. آیا در نظریه‌های توری اشکالی وجود دارد؟ آیا فرهنگ میزبان یعنی خوانندگان ایرانی آثار او در اشتباه‌اند و یا اندک منتقدان و مترجمانی که به گونه‌ای دیگر به آثار او نگاه می‌کنند؟ آیا وظیفه ماست که واقعیت را به سایر خواننده‌ها گوشزد کنیم؟ وظیفه ما که با مباحث نظری ترجمه آگاهیم در قبال منصوری و آثارش چیست؟ آیا ما باید سعی کنیم تا تصور خوانندگان را در قبال منصوری عوض کنیم؟ یکی از کارهایی که می‌توان کرد انجام تحقیق موردی درباره آثار اوست بدین صورت که با تهیه پرسشنامه‌ای دقیق و نظرخواهی از خوانندگان و مترجمان و آگاهان به مباحث نظری سعی کنیم بفهمیم دیدگاه آنها درباره منصوری چیست و آنگاه براساس این یافته‌ها سعی کنیم به ارائه نظریه بپردازیم.

**سؤال سوم:** ارتباط نزدیکی بین سؤال سوم و آنچه ریزی همزیستی میان ترجمه و شبه ترجمه می‌داند وجود دارد. همان طور که در سؤال سوم گفتم منصوری چند اثر مشکل‌زا دارد. این آثار مشابهت‌هایی با اصل آثار دارند. مقابله این ترجمه‌ها با اصل آثار حاکی از نوعی ترجمه بسیار آزاد و یا اقتباس است. البته در مفهوم ترجمه آزاد و یا اقتباس نیز مشکلی وجود دارد و آن هم نداشتن

معیاری کمی برای اندازه‌گیری است. تحقیقی که در این زمینه می‌توان انجام داد تعیین میزان آزاد بودن و اقتباسی بودن این ترجمه‌ها و پی بردن به شباهتها و یا تفاوت‌های میان ترجمه، شبه ترجمه، اقتباس و ترجمه آزاد است. یک روش برای انجام این کار انتخاب تصادفی قسمتهایی از متن اصلی و مقابله آنها با "ترجمه‌هایشان" است. سپس با استفاده از چند پارامتر قراردادی می‌توانیم میزان آزادی و یا دور شدن مترجم را از متن اصلی نشان دهیم.

**سؤال چهارم:** برای آنکه بتوان تعریف ریزی از شبه ترجمه را در مورد آثار منصوری آزمود باید پیش‌متون (مقدمه‌ها، شرح و توصیف‌های پشت جلد کتاب، فهرست مطالب و غیره) و فرامتون (تمامی اسناد خارج از متن، مانند نامه‌ها، نقدها و اسناد مرتبط آرشیوی) این آثار را فراهم آوریم. نخستین نکته که باید در اینجا در نظر بگیریم این موضوع است که آیا باید آثار منصوری را جزئی از "واقعیات فرهنگ مقصد" بدانیم، به این معنی که آنها را ترجمه بدانیم و بعد سعی کنیم تا با استفاده از تعریف ریزی عکس آن را ثابت کنیم یا خیر. براساس برخی از فرضیه‌ها برخی از آثار منصوری شبه ترجمه‌اند (صحت این فرضیه باید با انجام تحقیق سنجیده شود)، با این حال آنچه در وهله اول مهم است این است که در ابتدای کار این آثار را چه بدانیم: ترجمه، ترجمه آزاد، شبه ترجمه و یا چیزی دیگر. نکته مهم دیگر اینکه چگونه باید به پیش‌متون و فرامتونی که منصوری در مقام شبه مترجم منتشر کرده و فرهنگی که آنها را در جایگاه شبه ترجمه پذیرفته اعتماد کرد؟ شاید یک راهکار آن باشد تا همه آثار او را در ابتدا ترجمه بدانیم و بعد سعی کنیم تمام پیش‌متون و فرامتون موجود را با توجه به تعریف ریزی بررسی کنیم تا به پاسخی دقیق برسیم.

## منابع

- Du Pont, Olaf. 2005. "Robert Graves's Claudian Novels: A Case of Pseudotranslation". *Target* 17:2, 327-347.
- Mollanazr, Hussein. 2001. *Naturalness in the Translation of Novels into Persian*. Unpublished PhD thesis. University of Warwick.
- Rizzi, Andrea. 2008. "When a Text Is Both a Pseudotranslation and a Translation: The Enlightening Case of Matteo Maria Boiardo (1441-1494)". In *Beyond Descriptive Translation Studies: Investigations in Homage to Gideon Toury*, M. Shlesinger, et al. (eds.) Philadelphia and Amsterdam: John Benjamins.
- Robinson, Douglas. 1998. "Pseudotranslation". In *Routledge Encyclopedia of Translation Studies*, Mona Baker (ed.) London and New York: Routledge 183-85.
- Shuttleworth, Mark and Cowie, Moira. (1997). *Dictionary of Translation Studies*. Manchester: St. Jerome.



- Toury, Gideon. 1995. *Descriptive Translation Studies and Beyond*. Amsterdam and Philadelphia: John Benjamins.
- Toury, Gideon. 2005. "Enhancing Cultural Changes by Means of Fictitious Translations". In *Translation and Cultural Change*, Eva Hung (ed.) Amsterdam and Philadelphia: John Benjamins. 3-18.

- اخوت، احمد (ترجمه و تألیف) *مستعارنویسی و شبه ترجمه*. تهران، نشر نی، ۱۳۸۵.
- امامی، کریم. *از پست و بلند ترجمه: هفت مقاله*. تهران: نیلوفر، ۱۳۷۲.
- خزاعی فر، علی. "ذبیح‌الله منصوری: ترجمه یا تألیف". مترجم، ۱۳۷۴، سال پنجم، شماره ۱۹.
- رایینسون، داگلاس. "شبه ترجمه". ترجمه اخوت، احمد. زنده‌رود، ۱۳۸۲، شماره ۲۷.
- شهباز، محمد. "مصاحبه با استادان ترجمه: این شماره: دکتر محمد شهباز". درباره ترجمه، ۱۳۸۵، شماره ۳.
- موریه، جیمز جاستی نین. *سرگذشت حاجی بابای اصفهانی*. ترجمه‌ی میرزا حبیب اصفهانی از حاجی بابای جیمز موریه. ویرایش مدرس صادقی، جعفر. تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۹.